



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.

عبدالرحمن بن عوف

«عبدالرحمن بن عوف بن عبد عوف بن عبد بن حارث بن زهرة بن كلاب»

^[۱] این اثر جزری، علی بن محمد، اسد الغابة فی معرفة الصحابه، ج ۳، ص ۳۷۶، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
صحابی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) بود و از اولین مسلمانانی بود که از طریق ابوبکر اسلام آورد. وی یکی از اعضای شورای شش نفره بود که به عثمان بن عفان رأی داد.

فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی اجمالی
- ۲ - سریه نومه الجندل
- ۳ - اقتدای پیامبر به عبدالرحمن
- ۴ - عبدالرحمن پس از رحلت پیامبر
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

معرفی اجمالی

در سال دهم عام الفیل به دنیا آمد.

^[۱] این حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابه، تحقیق، عبدالموجود، عادل احمد، معوض، علی محمد، ج ۴، ص ۲۹۰، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

نام مادرش «شفاء»، دختر «عوف بن عبد بن حارث بن زهره» بود.

^[۲] ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصلح، تحقیق، بجاوی، علی محمد، ج ۲، ص ۸۴۴، بیروت، دار الجیل، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

در زمان جاهلیت، اسم او عبد عمرو بود و پس از مسلمان شدن، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) او را عبدالرحمن نامید.

^[۳] ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، محقق، عطاء، محمد عبدالقادر، عطاء، مصطفی عبدالقادر، ج ۵، ص ۳۳، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

وی از اولین مسلمانانی بود که از طریق ابوبکر اسلام آورد.

^[۴] ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، ج ۷، ص ۱۶۳، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق.

عبد الرحمن از جمله ده نفری است که نامش در روایت «عشره مبشره» آمده است. وی همچنین جزو گروهی بود که دو هجرت داشت؛ یعنی در سفر حبشه همراه مسلمانان بود و بعد از برگشت به مکه پس از مدتی به مدینه هجرت کرد.

^[۵] ابن سعد بغدادی، محمد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۹۲.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) پس از هجرت به مدینه، میان مسلمانان پیمان برادری برقرار کرد؛ منابع اهل سنت معتقدند میان عبدالرحمن و سعد بن ربیع، عقد اخوت برقرار گردید.

^[۶] ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، تحقیق، تلمری، عمر عبدالسلام، ج ۳، ص ۳۹۲، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

^[۷] بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، محقق، الناصر، محمد زهیر بن ناصر، ج ۳، ص ۵۳، بیروت، دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

اما برخی منابع شیعه آورده‌اند که این پیمان برادری میان عبدالرحمن و عثمان بود.

^[۸] قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، محقق، موسوی جزائری، سید طیب، ج ۲، ص ۱۰۹، قم، دار الکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.

^[۹] طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۱۸۴، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۹۰ق.

نقل است که عبدالرحمن در تمام جنگ‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) حضور داشت

^[۱۰] صالحی دمشقی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، ج ۱۱، ص ۳۱۸، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

و در یکی از آنها فرماندهی را بر عهده داشت.

سریه نومه الجندل

روزی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)، عبدالرحمن را احضار کرد و به او فرمود: «آماده شو که به خواست خداوند، امروز یا فردا تو را برای نبردی اعزام خواهیم کرد». پس از

آن، معامله‌اش را باز کرد و دوباره بر سرش بست و سر آن را به اندازه چهار انگشت آویزان گذاشت و فرمود: «ای پسر عوف! اگر این‌گونه عمله ببندی بهتر است... به نام خدا به جهاد برو و فقط در راه خدا با کافران بجنگ، مکر و فریب مکن، و هیچ کودکی را نکش».

[۱۱] ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، تحقیق، السقاء، مصطفی، الابیاری، ابراهیم، شلیبی، عبدالحفیظ، ج ۲، ص ۶۳۲، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، بی تا.

عبدالرحمن با یاران خود به راه افتاد تا به «دومة الجندل» رسید. آنجا سه روز صبر نمود و دشمنان را به اسلام فرا می‌خواند. آنها در آغاز از پذیرش اسلام خودداری کردند و گفتند که پاسخش جز با شمشیر نخواهد بود، ولی روز سوم، اصبغ بن عمر و کلیبی که رئیس ایشان و مسیحی بود، مسلمان شدند. در پی آن، عبدالرحمن نامه‌ای برای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نوشت و در ضمن آن به حضرت تشنان اطلاع داد که می‌خواهد از آن قوم برای خود همسری انتخاب کند. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به او توصیه فرمود که با دختر اصبغ ازدواج کند. عبدالرحمن دختر اصبغ را به همسری گرفت و با او به مدینه آمد.

[۱۲] واقفی، محمد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق، مار سدن جونس، ج ۲، ص ۵۶۰-۵۶۱، بیروت، مؤسسة الاعلمی، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق.

بر اساس برخی نقل‌ها خود پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از ابتدا به عبدالرحمن گفت: «اگر دعوت به اسلام را پذیرفتند؛ با دختر رئیس آنها ازدواج کن».

[۱۳] ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، ج ۲، ص ۱۴۹، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

به هر حال روشن است که این دستور برای محکم‌تر شدن پیمان میان طرفین بود.

افتدای پیامبر به عبدالرحمن

برخی از منابع اهل سنت از مخبره بن شعبه چنین نقل کرده‌اند:

[در راه یکی از جنگ‌ها] رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای قضای حاجت بیرون رفت. من هم با ایشان بودم. [پس از قضای حاجت] پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «آیا آب به همراه داری؟» پس برای پیامبر ظرف آبی بردم. آب ریختم و پیامبر صورتش را شست و خواست دست‌هایش را بشوید، اما چون آستین لباسش تنگ بود، ناچار دست‌هایش را از زیر جبهه درآورد و شست... هنگامی که برگشتیم، دیدیم عبدالرحمن بن عوف رکعت اول را [در حالی که امام جماعت بود] خوانده بود و زمانی که متوجه حضور پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شد، خواست به عقب برود که پیامبر اشاره فرمود که در جای خود بماند و سپس پشت سر او یک رکعت نماز گزارد. زمانی که مردم و عبدالرحمن سلام دادند، پیامبر برخاسته و رکعت دیگر را خواند و سلام داد و به مردم فرمود: «بسیار خوب کردید».

[۱۴] قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، محقق، عبدالباقی، محمد فواد، ج ۱، ص ۳۱۷، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.

مشابه این مطلب به گونه‌های دیگر نیز نقل شده است.

[۱۵] نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعبه، السنن الکبری، محقق، شلیبی، حسن عبدالمنعم، ج ۱، ص ۶۳، بیروت، مؤسسة الرساله، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

[۱۶] سجستانی، ابو داود سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، محقق، عبدالحمید، محمد محیی الدین، ج ۱، ص ۳۷، بیروت، المكتبة العصرية، صیدا، بی تا.

در فرض پذیرش این حکایت، پرسشی پدید می‌آید که افرادی که صلاحیت ابوبکر برای خلافت را از راه امامت جماعت او در حضور پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اثبات می‌کنند، چگونه با همین استدلال، صلاحیت عبدالرحمن را برای خلافت اثبات نمی‌کنند!؟

عبدالرحمن پس از رحلت پیامبر

برخی منابع، عبدالرحمن را از همراهان خلیفه دوم در ماجرای کوچه نبی‌هاشم و تهدید حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) به شمار آورده‌اند.

[۱۷] جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز، السقیفه و فنک، محقق، امینی، محمدهادی، ص ۷۰، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.

اما به یقین مهم‌ترین واقعه زندگی عبدالرحمن که در آن حضور پُررنگی داشت و مسیر تاریخ اسلام، با تصمیم او تغییر کرد؛ ماجرای شورای شش نفره‌ای بود که خلیفه دوم، آن را برای انتخاب خلیفه بعد از خود تعیین کرد. عبدالرحمن به عنوان مهم‌ترین فرد این گروه برگزیده شد؛ زیرا در صورت تساوی آراء، فردی که او تایید می‌کرد؛ خلیفه مسلمانان می‌شد. در نهایت نیز رای او بود که عثمان را خلیفه مسلمانان کرد.

از برخی منابع تاریخی به دست می‌آید که بعدها عبدالرحمن از این تصمیم خود، پشیمان شد: «پس از شهادت ابوذر در ریذه که عثمان مسبب آن بود؛ علی (علیه‌السلام) خطاب به عبدالرحمن می‌گوید که تو مسبب این کار هستی [زیرا تو عثمان را خلیفه کردی] عبدالرحمن گفت: اگر می‌خواهی شمشیرت را بگیر و من نیز شمشیرم را بگیرم و [به جنگ عثمان برویم، زیرا] او با شرایطی که خلافت را با آن شرطها به او دادم؛ مخالفت کرده است».

[۱۸] بلذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق، زکار، سهیل، زرکلی، ریاض، ج ۵، ص ۵۴۶، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

عبدالرحمن از ثروتمندترین افراد زمان خود بود و نقل‌هایی پیرامون ثروت او وجود دارد.

[۱۹] مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق، داغر، اسعد، ج ۲، ص ۳۳۳، قم، دارالهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

ثروت او به حدی بود که در زمان مرگش وصیت‌های مالی هنگفتی داشت و در یکی از آنها وصیت کرد پنجاه هزار دینار را به افراد در راه مانده بدهند.

[۲۰] ابن سعد بغدادی، محمد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۰۰.

او فرزندان بسیاری داشت و در برخی منابع او را پدر بیست پسر و هشت دختر دانسته‌اند.

[۲۱] ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم، ج ۵، ص ۳۴.

عبدالرحمن در نهایت به سال ۳۲ هجری فوت کرد و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

[۲۲] ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۳۹۶.

پانویس

۱. ↑ ابن اثیر جزیری، علی بن محمد، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۳، ص ۳۷۶، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق.

۲. ↑ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق، عبدالموجود، عادل احمد، معوض، علی محمد، ج ۴، ص ۲۹۰، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

۳. [↑ ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، تحقيق، بجاوي، علي محمد، ج ۲، ص ۸۴۴، بيروت، دار الجليل، جلد اول، ۱۴۱۲ق.](#)
۴. [↑ ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي، المنتظم، محقق، عطاء محمد عبدالقادر، عطاء مصطفى عبدالقادر، ج ۵، ص ۳۳، بيروت، دار الكتب العلمية، جلد اول، ۱۴۱۲ق.](#)
۵. [↑ ابن كثير دمشقي، اسماعيل بن عمر، البداية و النهاية، ج ۷، ص ۱۶۳، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۷ق.](#)
۶. [↑ ابن سعد بغدادی، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۹۲.](#)
۷. [↑ ذهبي، محمد بن احمد، تاريخ الاسلام، تحقيق، تمری، عمر عبدالسلام، ج ۳، ص ۳۹۲، بيروت، دار الكتب العربي، جلد دوم، ۱۴۰۹ق.](#)
۸. [↑ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، محقق، الناصر، محمد زهير بن ناصر، ج ۳، ص ۵۳، بيروت، دار طوق النجاة، جلد اول، ۱۴۲۲ق.](#)
۹. [↑ قمي، علي بن ابراهيم، تفسير قمي، محقق، موسوی جزائري، سيد طيب، ج ۲، ص ۱۰۹، قم، دار الكتب، جلد سوم، ۱۴۰۴ق.](#)
۱۰. [↑ طبرسي، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۱۸۴، تهران، دار الكتب الاسلامية، جلد سوم، ۱۳۹۰ق.](#)
۱۱. [↑ صالحی دمشقی، محمد بن يوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سيرة خير العباد، ج ۱۱، ص ۳۱۸، بيروت، دار الكتب العلمية، جلد اول، ۱۴۱۴ق.](#)
۱۲. [↑ ابن هشام، عبدالملك، السيرة النبوية، تحقيق، السقا، مصطفى، الابيارى، ابراهيم، شلبي، عبدالحفيظ، ج ۲، ص ۶۳۲، بيروت، دار المعرفة، جلد اول، بی تا.](#)
۱۳. [↑ واقدی، محمد بن عمر، كتاب المغازی، تحقيق، مار سدن جونسن، ج ۲، ص ۵۶۰-۵۶۱، بيروت، مؤسسة الاعلمی، جلد سوم، ۱۴۰۹ق.](#)
۱۴. [↑ ابن سيد الناس، محمد بن محمد، عيون الاثر، ج ۲، ص ۱۴۹، بيروت، دار القلم، جلد اول، ۱۴۱۴ق.](#)
۱۵. [↑ قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، محقق، عبدالباقي، محمد فواد، ج ۱، ص ۳۱۷، بيروت، دار الاحياء التراث العربي، بی تا.](#)
۱۶. [↑ نسائي، ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب، السنن الكبرى، محقق، شلبي، حسن عبدالمنعم، ج ۱، ص ۶۳، بيروت، مؤسسة الرسالة، جلد اول، ۱۴۲۱ق.](#)
۱۷. [↑ سجستاني، ابوداود سليمان بن اشعث، سنن ابی داود، محقق، عبدالحميد، محمد محبی الدين، ج ۱، ص ۳۷، بيروت، المكتبة العصرية، صيدا، بی تا.](#)
۱۸. [↑ جوهری بصری، احمد بن عبدالعزيز، السقيفه و فک، محقق، امینی، محمدادی، ص ۷۰، تهران، مكتبة نينوى الحديثية، بی تا.](#)
۱۹. [↑ بلانری، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، تحقيق، زكار، سهيل، زرکلی، رياض، ج ۵، ص ۵۴۶، بيروت، دار الفكر، جلد اول، ۱۴۱۷ق.](#)
۲۰. [↑ مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسين، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقيق، داغر، اسعد، ج ۲، ص ۳۳۳، قم، دار الهجرة، جلد دوم، ۱۴۰۹ق.](#)
۲۱. [↑ ابن سعد بغدادی، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۱۰۰.](#)
۲۲. [↑ ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي، المنتظم، ج ۵، ص ۳۴.](#)
۲۳. [↑ ذهبي، محمد بن احمد، تاريخ الاسلام، ج ۳، ص ۳۹۶.](#)

منبع

[پایگاه اسلام کونست، برگرفته از مقاله «عبدالرحمن بن عوف»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۵/۱۲/۱۶.](#)

رده‌های این صفحه: [اصحاب پیامبر](#) | [بدر یون](#) | [عشره مبشره](#) | [مدفونان در بقیع](#)